عملکرد بزرگ نمایی و کوچک نمایی اطلاعات در مغز

○عباس خادم الحسینی

یکی دیگر از فیلترهای مغزی که نقش مهم و موثری در شکل دهی رفتار و باورهای شما دارد فیلتر بزرگ نمایی است. کار این فیلتر، همانطور که از نامش هم پیداست بزرگ جلوه دادن اطلاعات وارد شده به مغز است. یعنی مغز با کمک این فیلتر، بخشی از اطلاعاتی را که از طریق کانال های شش گانه دریافت کرده است، بزرگ تر و مهم تر از اندازه ی واقعی خودشان جلوه می دهد. آیا تا به حال برای تان پیش آمده که نسبت به موضوعی، بسیار حساسیت نشان بدهید و سال ها بعد که دوباره به آن موضوع فکر می کنید متوجه شوید که چقدر کوچک و کم اهمیت بوده است. علت این امر می تواند این باشد که در آن زمان اطلاعات مربوط به آن موضوع از فیلتر بزرگ نمایی مغز رد شده اند و شما به واسطه ی این شکل از عملکرد مغز، آنها را بزرگ تر از اندازه ی واقعی شان دریافت می کردید. شاید تا به حال این مساله توجه تان را جلب کرده باشد که ببینید فردی نسبت به یک موضوع معمولی، بیش از اندازه اهمیت قایل است و آن را بسیار بزرگ و تأثیر گذار می پندارد. علت این مساله هم، می تواند در فیلتر بزرگ نمایی خلاصه شود. اصولاً در بسیاری از موارد به خاطر وجود همین فیلتر است که یک موضوع واحد ممکن است برای یک نفر بسیار بزرگ و با اهمیت باشد و برای فرد دیگری معمولی و کم اهمیت.

بسیاری از ناراحتی ها، مشاجرات خانوادگی ، حساسیت های بی مورد و سخت گیری‌های نابجا (چه به خود و چه به دیگران) نتیجه ی عملکرد این فیلتر است. این فیلتر می تواند موجبات تضعیف اعتماد به نفس را نیز فراهم کند. البته در نظر داشته باشید که بسیاری از موفقیت ها و پیشرفت ها نیز ممکن است از عملکرد همین فیلتر سرچشمه بگیرند. بگذارید یک مثال برای تان بزنم تا بهتر مطلب را متوجه شوید. چندی پیش در یکی از سخنرانی هایم، مرد جوانی در حالی که ماسکی به بینی و دهانش زده بود به من مراجعه کرد و اعتراف نمود که سال هاست از همه ی جمع ها کناره گیری می کند و همین مساله باعث شده که منزوی و افسرده شود. به خاطر ماسکی که زده بود پیش خودم گفتم شاید بیماری خاصی دارد که از حضور در جمع فراری است. اما وقتی علت را جویا شدم با انگشت به سمت بینی اش اشاره کرد و ادعا کرد که هر چه می کشد از دست بینی اش است. بینی بزرگی که به گمان او دیدنش می تواند موجبات تمسخر، تعجب و یا حتی چندش دیگران را فراهم کند. از وی خواستم ماسکش را بردارد تا من بینی اش را ببینم. اولش قبول نکرد ولی بالاخره با اکراه پذیرفت و ماسکش را بر داشت. البته اندازه ی بینی اش کوچک یا معمولی نبود اما آنقدرها هم بزرگ نبود که خانه نشینش کند. مطمئن بودم که کمتر کسی پیدا می شد که به خاطر دیدن بینی او، احساس تمسخر، تعجب و یا چندش کند. برایش توضیح دادم که این یک عیب جسمی نیست حتی اگر هم باشد آن قدرها که او فکر می کند بزرگ و پر اهمیت نیست.

به او گفتم که در حال حاضر مشکلش داشتن بینی بزرگ نیست. بلکه مساله این جاست که مغزش به واسطه ی عملکرد فیلتر بزرگ نمایی، این موضوع را برایش بزرگ تر و مهمتر از حد واقعی خود جلوه داده است و چه بسا که در همین سالن سخنرانی ده ها نفر مثل او باشند ولی این مساله هیچ اهمیتی برایشان نداشته باشد.

کمال گرایی نیز یکی دیگر از اثرات فیلتر بزرگ نمایی است. یک فرد کمال گرا عقیده دارد که همه چیز باید در بهترین حالت خود باشد و در غیر این صورت اصلاً نباشد بهتر است. البته این نوع طرز فکر هم می تواند باعث پیشرفت و موفقیت شود و هم می تواند موجبات تولید استرس، افسردگی ، کمبود اعتماد به نفس و عدم پیشرفت را فراهم کند. به عنوان مثال یکی از شاگردان من به نام خانم « م . ر » که از قضا از دانشجویان نمونه کشور هم بود ادعا می کرد که هرگز نمی تواند جلوی جمع صحبت کند و همین مساله باعث شده که نتواند کنفرانس های درسی خود را اجرا کند. وقتی از او خواستم تا برای افراد حاضر در کلاس من صحبت کند دیدم که نه تنها در این کار ناتوان نیست بلکه خیلی هم خوب و مسلط صحبت می کند.

او فن بیان بدی نداشت اما اسیر دام کمال گرایی شده بود. فکر می کرد اگر بخواهد جلوی جمع صحبت کند حتماً باید بهترین سخنرانی را داشته باشد و گرنه اصلاً سخنرانی نکند بهتر است. فیلتر بزرگ نمایی مغزش ، کوچکترین تپق و اشتباهی را برایش بسیار بزرگ ،زشت و خجالت آور جلوه داده بود و او مجبور بود طبق دستورات دیکته شده ی مغزش عمل کند مگر این که به وجود این فیلتر مغزی و نحوه ی عملکرد آن آگاه شود و ذهنیت خود را تغییر دهد.

فیلتر دیگری در عملکرد مغز وجود دارد که درست نقطه ی مقابل فیلتر بزرگ نمایی است. این فیلتر که فیلتر کوچک نمایی نام دارد کاری برعکس فیلتر بزرگ نمایی انجام می دهد. فیلتر کوچک نمایی همانطور که از نامش هم پیداست وظیفه دارد که برخی از اطلاعات وارد شده به مغز را کوچک تر از حد و اندازه ی واقعی شان جلوه دهد. یعنی شما بخشی از اطلاعات دریافت شده (آنهایی که از فیلتر کوچک نمایی رد شده اند) را کم اهمیت تر از آنچه واقعاً هستند می پندارید.

شاید تا به حال برای تان پیش آمده باشد که یک مساله برای دیگران خیلی بزرگ و با اهمیت محسوب شود اما شما آن را بسیار کوچک و کم اهمیت به حساب آورید. یکی از دلایل این قضیه می تواند عملکرد فیلتر کوچک نمایی باشد.

اجازه بدهید با ذکر یک مثال توضیحاتم را کامل کنم. احتمالاً برای تان پیش آمده است که برای کسی کاری انجام دهید که از نظر خودتان بزرگ و ارزشمند باشد در حالی که از دیدگاه طرف مقابل کار چندان بزرگی انجام نداده اید یا این که برعکس، کسی برای شما کاری انجام دهد و شما را به واسطه ی آن کار، مشمول لطف و محبت خود کند اما این لطف او از نظر شما کار چندان بزرگی محسوب نشود در حالی که اگر همین کار را شما برای کس دیگری انجام می دادید طرف مقابل را حسابی مدیون خود می دانستید. یعنی اطلاعات مربوط به زحماتی که شما برای دیگران می کشید را بزرگ می کردید (فیلتر بزرگ نمایی) و اطلاعات مربوط به زحماتی که دیگران برای شما می کشند را کوچک می پنداشتید (فیلتر کوچک نمایی).

شاید به دلیل وجود همین فیلترها (خصوصاً دو فیلتر بزرگ نمایی و کوچک نمایی) باشد که انسان ذاتاً قدر نعمت هایی که دارد را نمی داند و فقط روی نداشته‌های خود زوم می کند. این بدان معناست که انسان ها اکثراً عادت دارند داشته های خود را در ذهن شان کوچک و کم اهمیت بپندارند و نداشته ها، کمبودها، ضعف ها و عدم امکانات را بسیار بزرگ و قابل توجه به حساب آورند. یعنی اطلاعاتی که مربوط به داشته هاست از فیلتر کوچک نمایی واطلاعاتی که مربوط به کمبودهاست از فیلتر بزرگ نمایی رد می شود که این روند، در اغلب موارد نادرست بوده و به شادی دورنی آسیب می زند. خانم « م . ر » که در بخش فیلتر بزرگ نمایی از او نام بردم را یاد تان می آید. همان کسی که خوب صحبت می کرد اما چون اشتباهاتش را بزرگتر از حد واقعی خود می پنداشت، نمی توانست جلوی جمع صحبت کند. چنین فردی برای حل این مساله، کافی است با کمک راهکارهایی که به وسیله ی آنها می توان بر عملکرد فیلترهای مغزی مسلط شد، بر این فرایند مخرب غلبه کند. یعنی به جای این که اجازه بدهد اطلاعات مربوط به ضعف ها و خطاهایش از فیلتر بزرگ نمایی رد شوند و بیش از حد در چشمش درشت جلوه کنند. آنها را از فیلتر کوچک نمایی رد کند تا خطاها و ضعف هایی که ممکن است در سخنرانی خود داشته باشد را ناچیز و کم اهمیت بپندارد. من به زودی این راهکارها را با شما در میان خواهم گذاشت تا بتوانید خیلی راحت بر عملیات فیلترشدن اطلاعات توسط مغز مدیریت کنید.

بازی سکه و ارز تا کجا...

●منوچهر حبیبی

یکی از علوم گسترده و فراگیر جهان علم اقتصاد است چرا که اقتصاد سالم و پویا باعث رشد و توسعه می شود همین مهم باعث می گردد که هویت و شناسنامه ی ملت ها با اقتصادشان گره بخورد. برای نمونه زمانی ژاپنی ها به عنوان مردمی سخت کوش و پر تلاش معرفی شدند اما این تحول اقتصادی بدون مدیریت و برنامه ریزی و نظارت و حمایت میسر نگردیده است. به هر حال کم نیستند ملت‌هایی که اقتصادشان را با دست خالی و به قول معروف از صفر ساخته اند اما اقتصاد هم گه گاه دچار مشکل و بحران می شود در چنین شرایطی نقش مدیریت و کارگردانی بیش از هر زمانی تاثیر گذارتر و تعیین کننده تر است لذا برخورداری و بهره مندی از نیروهای با تجربه و متخصص که از علوم مربوطه و توانایی های لازم بهره گیرند بسیار مهم و حیاتی است چرا که برنامه ریزی ها را کسانی باید انجام دهند که همه‌ی جوانب و زوایا را مورد توجه قرار می دهند و نقاط قوت و ضعف ها را می بینند تا به جای رفع مشکل آن را حادتر و شدید تر نکنند. همه می دانیم که سال ۱۳۹۰ به نام سال تحول اقتصادی نام گذاری شد دلیلش هم ناکامی های اقتصادی سال های اخیر بود اما کم کم به پایان این سال نزدیک و نزدیک تر می شویم و متاسفانه نشانه‌ای از تغییر در سیاست های اقتصادی دولت به چشم نمی خورد آنچه انجام گرفته یا مسکنی کوتاه مدت بود و یا به تشدید درد انجامیده است.

نشانه ای بارز آن هم دلال بازی هایی بوده است که از اوایل سال جاری گریبان بازار ما را گرفته است اوج این دلال بازی های دولتی گریبان بازار سکه و ارز را گرفته است طوری که شش ماهه اول سال را باید به سکه و طلا و ... نیمه دوم سال را به ارز اختصاص داد و هر دو عاملی بودند برای تشدید گرانی و بیکاری و البته سوء استفاده های مالی و اقتصادی که باز دودش در چشم مردم رفته و خواهد رفت. در این رهگذر علاوه بر دامن زدن به گرانی ها نرخ تورم هم بالا رفت و بقیه قصه و ماجرا را همه می دانند. حال سوالی که پیش روی مردم است این است که آیا این نابسامانی اقتصادی ناشی از توطئه و شیطنت های خارجی است و یا ریشه در عملکرد مسئولین اقتصادی و در راس آنان وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی و رئیس دولت دارد

بعد از افشای اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی و رفتن وزیر اقتصاد به مجلس و گرفتن رای اعتماد مجدد و قول هایی که ایشان در مجلس دادند به نظر می رسید که مقوله‌ی اقتصاد بیش از گذشته مورد ارزیابی و رسیدگی و حتی بازنگری قرار گیرد اما متاسفانه با روند مستمر افزایش نرخ دلار و ادامه سیاست های اقتصادی گذشته گویا برخی از دولتمردان پنهانی و در سایه از روند گرانی سکه و ارز حمایت هم می کنند تا جایی که مجلس تنها نهاد مخالف این پروسه به حساب می آید و اما قصه کاهش ارزش ریال هم که بسیار دردناک و غم انگیز است شایعه اینکه برخی از تجار با دلار داد و ستد می کنند اگر حقیقت داشته باشد واقعا تاسف بار است و اما کاهش ارزش ریال آن هم به این شدت خود به خود آثار سوء و تاثیرات روانی در سطح جامعه و به ویژه در بازار کسب و کار به جا می گذارد اگر ارزش ریال نسبت به دلار طی ۲ سال گذشته فقط ۴۰ درصد هم کاهش یافته باشد و طی این مدت حقوق و دستمزدها به ویژه حقوق و دستمزدهای کارکنان دولت و نیروهای قرار دادی و مستمری بگیران با این کاهش ارزش ریال بالا نرفته باشد در حالی که همگان شاهد بالا رفتن نرخ و بهای کالا و خدمات هستند به همین میزان از قدرت و توان خرید مردم کاسته شده است.

اما طی این مدت سود کلانی و ثروت باد آورده ای نصیب دلالان و سودجویان شده است ، سودهایی که ریال ریال آن از سفره مردم جمع شده است روندی که باعث فقر و بی عدالتی هر چه بیشتر می گردد حالا ادامه سیاست عرضه ی نامحدود سکه و ارز شامل چه گروهی از مردم گردیده و سودهای کلان آن را چه بخش هایی از جامعه می برند، خدا می داند. اگر در اختلاس کلان بانک صادرات و صندوق بازنشستگی و ... عده‌ای به راحتی آب خوردن موفق به کسب ثروت شده‌اند یقینا در بازی سکه و ارز هم عده‌ای دیگر به راحتی جیب شان را پر می کنند. بنابراین دولت نهم و دهم اگر هر ادعایی در موفقیت و پیشرفت داشته باشد در مورد مسائل و مشکلات اقتصادی و آنچه گریبان مردم را گرفته است نمره ی قبولی نخواهد گرفت به ویژه آن که عملا نشان داده است که وقتی به نظرات و انتقادها نمی گذارد و به قول معروف کار خودش را می کند . اما مسئولین اقتصادی باید متوجه باشند که افزایش روزمره قیمت دلار که یک ارز جهانی و شناخته شده است نه با جایگزینی ارز و نه با اجبار صرافان به رعایت قیمت اعلام شده ی دولتی که آن قیمت ۱۴۰۰ تومان هم نسبت به قیمت دولتی ۱۱۰۰ تومان خود موجب واسطه گری و سودجویی می شود آرام نمی گیرد. بدون شک بخشی از این افزایش نرخ ارز منشا سیاسی دارد و بخش دیگرش با حمایت غیر مستقیم برخی از مسئولین امور اقتصادی صورت می گیرد کسانی که معتقدند که نقدینگی در جامعه و بازار فراوان است و باید با سوق دادن مردم به سمت بازار سکه و ارز این نقدینگی را جمع و یا کم کرد ولی بدون سرمایه گذاری در بخش تولید و صنعت این سیاست هم کاری از پیش نخواهد برد چرا که تحول اقتصادی بدون رونق و رشد اقتصادی واقعی که منجر به اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری شود امکان پذیر نیست و عواقب سوء به دنبال دارد همان طوری که سیاست های اعلام شده در سال ۸۹ و ۹۰ به تورم و بیکاری دامن زده و عملا از کنترل خارج گردیده است لذا بدون نگرش و چرخش واقعی و سود بردن از اقتصاددانان کاربلد و برنامه دار مشکلات اقتصادی کشور نه تنها گریبان بودجه سال ۹۱ را خواهد گرفت که به دولت های بعد نیز منتقل خواهد شد و این روند منجر به فشار بیشتر و حتی طاقت فرسا بر اقشار کم در آمد و آسیب پذیر که متاسفانه بر شمارشان افزوده می شود، خواهد شد.

نگاهی به نحوه ی برخورد با کودکان

○هما حیاتی مقدم - مدرسه راهنمایی شهدای گلشن

پرسش های کودکان

دوران کودکی دوران بسیار مهمی می باشد . زیرا شخصیت آینده کودکان ارتباط مستقیمی با نحوه تعلیم و تربیت دوران کودکی و چگونگی ارتباط پدران و مادران با آنها و محیط تربیتی شان دارد.

در پاسخ به سوالات کودکان باید به همان زبان کودکی با آنان صحبت کنیم تا برایشان قابل درک باشد . یعنی در حد فهم و بینش خود کودکان باید با آنان گفتگو نمود و هرچه بزرگ تر و عاقل تر شدند با دلیل و منطق مشکلات را برای آنان توجیه نمود.

پاسخ ندادن به سوالات کودکان هر چند جزیی زیان های جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. مثلا کودک سوال خود را از راه دیگری به دست می آورد که ممکن است به ضرر و زیان آنان تمام شود و از این گذشته کودکی که به سوال او بی توجهی شود حس اعتمادش لطمه دیده دچار حساسیت می شود و از سوال کردن در مراحل بعدی جلوگیری خواهد کرد او به همین میزان از پرورش فکری باز خواهد ماند.

پس اولیا باید بدانند که پیدایش سوال ارتباط مستقیمی با رفتار و زندگی کودکان با دیگران دارد و با مهر و محبت و با زبان کودکی با آنان سخن گفته و پرسش هایشان را با پاسخ های صحیح پاسخ دهند.

پرورش دقت در کودکان

انسان ها متفاوت هستند بعضی در کارهای خود دقیق بوده و برخی فاقد دقت لازم می باشند. بدون تردید با به کارگیری روش هایی می توان شخص دقیق را دقیق تر و فاقد دقت را دقیق ساخت. برای ایجاد روحیه دقت عواملی که در ذیل عنوان می شود موثر و سازنده می باشد:

۱- اسلام توجه خاصی به شور و مشورت کرده است . اساسا انسان در ارتباط با مشورت کردن به نقاط ضعف و کمال موضوع مشورت پی برده از سطحی نگریستن به مسائل اجتناب کرده، به تدریج روحیه دقت در او تقویت خواهد شد.

۲- ارتباط با انسان های دقیق. معلمان به خوبی می توانند دانش آموزان را دقیق بار آورند . در واقع اگر کودکی از الگوی دقیقی برخوردار باشد، روحیه دقت در آنان به وجود خواهد آمد.

۳- پدران و مادران می توانند الگوهای خوبی از نظر دقیق بودن برای فرزندان خود باشند . زیرا وقتی فرزندی درک کند که والدینش دقیق می باشند به ناچار او نیز در انجام کارها دقت فراوانی به کار خواهد برد.

اولیا نباید اشتباهات کوچک و ریز فرزندان خود را نادیده گرفته و با سهل انگاری از کنار آن رد شوند البته منظور این است که به کوچکترین اعمال خلاف کودکان اشراف داشته و با اصول تربیتی با آن مقابله نمایند.

انضباط و شخصیت کودک

در امور تربیتی آن چه که در درجه اول اهمیت قرار دارد حفظ شخصیت کودک است و در تمام برنامه های تربیتی نباید کمترین خللی به شخصیت کودک وارد شود. با توجه به این نکته اساسی مقررات انضباطی که به منظور زندگی با دیگران دنیای کودک را احاطه کرده است باید به نظر و تصویب کودک برسد و کودک هم در آن ها به هر عنوانی شده دخالت داشته باشد، زیرا میان عمل به قوانینی که کودک در وضع آن شرکت داشته باشد با مقرراتی که از طرف دیگران برایش وضع گردیده اختلاف آشکاری وجود دارد.

دانستن این نکته نیز ضروری است که بهترین وسیله برای پرورش روح انضباطی رفتار خارجی پدران و مادران است. در واقع رفتار اولیا آن چنان باید منظم باشد که کودکان نظم و انضباط آنان را برای خود سرمشق و نمونه قرار دهند . انشاءالله.

عمود خیمه فرهنگ فارس«امداد...»

قسمت دوم

○سید محی الدین حسینی ارسنجانی - پژوهشگر فرهنگ و تمدن فارس

استاد امداد به راستی نمونه ای کامل از یک انسان شریف و پرهیزگار و اسوه مناسبی از معلمان با اخلاق و مردمدار بود. آموزش و پرورش شیراز و فارس مدیون زحمات و خدمات ماندگار وی به ویژه در بحث ایجاد و راه اندازی مراکز علمی در مقاطع تحصیلی ابتدایی و دانشسراهاست. امداد در مکتب علمی و آموزشی زنده یاد محمد بهمن بیگی چهره ماندگار ملی و مدیر کل فرهیخته تعلیمات عشایری بهره ها برده و بی تردید خود مرجع آموزگاران ، آموزشیاران ، مدرسان ، مربیان و معلمان فراوان از عشایر و غیر عشایر بود. عشق وصف ناپذیر وی در خدمت به مردم روستاها و ساکنین محلات پایین شهر در رفتار و سیمای این مرد بزرگ نمایان و آشکار بود. آموزش و پرورش معاصر ایران و به ویژه دستگاه تعلیم و تربیت فارس در قبل و بعد از انقلا ب از اقدامات اثرگذار وی بهره های فراوان برده و بسیاری از اساتید فرهنگ و هنر و دانشوران در حوزه های تربیتی و ادبی مرهون تواضع استاد امداد در دوران های طولانی تدریس و تعلیم اند. معلمی را در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته فارس و خارج از فارس آغاز و در حین خدمت و تحصیل با بزرگمردان حوزه و دانشگاه و صاحبان نام و نشان مراوده های فراوان داشت. زنده یاد استاد حسن امداد خود شاعر و روزنامه نگاری ارزنده بود او با در اختیار داشتن کتابخانه ای وسیع و غنی در واقع گنجینه ای از کتب نایاب و کمیاب در علوم و فنون گوناگون و به ویژه علوم انسانی را در منزل شخصی خویش فراهم آورده بود. کتابخانه چندین هزار جلدی پذیرای دوستان و رفقای اهل تحقیق او بود و ایشان با روی باز و گشاده و با مناعت طبع و سخاوتمندی هر چه تمام آثار نوشتاری خویش و یا کتب مورد علاقه و نیاز مراجعین را در اختیار آنها می گذارد. اینجانب به لحاظ عشق وارادتی خاص که به حضرت استاد امداد داشتم فراوان از منابع فیض وجودی آن فرزانه دوران بهره مند گردیدم و در این سال های اخیر مکررا یا تماس تلفنی دوسویه برقرار و یا علیرغم حال نامساعد مکرر درک محضرشان را نصیبت خود می نمودم و با حضور در منزل ایشان واقع در خیابان هدایت شاگردی در مکتب فکری و اخلاقی استادم را برای خود افتخاری بزرگ می دانستم از بزرگمردی همچون استاد حسن امداد کارهای بزرگی به یادگار مانده است. حضور پررنگ آن مرد به حق پیوسته در مجامع علمی و محافل فرهنگی گرمی بخش دل دست اندرکاران بر پایی همایش ها و سمینارهای فارس شناسی و شیراز پژوهی بود. آخرین سخنرانی تاریخی استادم را در همایش فارس در جنگ جهانی اول که به همت مدیر فرهیخته مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس جناب آقای دکتر صفی پور که مسئولیت بنیاد فارس شناسی را نیز بر عهده دارد در حضور اساتید فرهیخته و نام آوری همچون دکتر گنجی و دکتر شعبانی در تاریخ ۸۹/۸/۱۹ شاهد و ناظر بودم. با یک شور وصف ناپذیری اساتید و همراهان دانشگاهی و دانش پژوهی خویش را یادکرده و ارج می نهاد. دل دریایی و چهره متین و آرام استاد امداد او را در بین یاران یک شنبه ممتاز و نمونه ساخته بود. همایون یزدانپور چهره نام آشنای رادیو تلویزیون فارس و شاعر معاصر کشورمان استاد حسن امداد را برخوردار از اندیشه ای پویا و فعال و مردی که همه زندگی خود را صرف تحقیق و پژوهش نموده معرفی می نماید.

«شایسته نگری» راهی به سوی «شایسته سالاری»

حجت اله دهقانی

بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم هر چهار سال یکبار به پای صندوق های رأی می روند تا با شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و برگزیدن نمایندگان واجد شرایط، برای فرستادن به تنها نهاد قانونگذاری کشور، قوه ی مقننه، به منظور دفاع از حقوق اولیه و مرتفع نمودن برخی از مشکلات گریبانگیر شهرها و روستاهای خود، قدم بزرگی را در راه آبادانی کشورشان برداشته باشند. در واقع نمایندگان مردم با کسب شرایط لازم و صدور مجوز از سوی همین مردم برای حضور در خانه ی ملت، همواره در نقش پلی ارتباطی بوده اند میان مردم و متولیان نظام مقدس جمهوری اسلامی، تا بهتر و رساتر بتوانند صدای مردم را در جهت به اثبات رساندن ماهیت مردمی بودن نظام حکومتی حاکم، که همانا دموکراسی و مردم سالاری دینی است و همچنین نهادینه کردن روابط دوسویه میان دولت و ملت، به گوش مسئولین بلند پایه ی کشوری و لشکری برسانند. هر چند که در سال های نخستین عمر سی و چند ساله ی حکومت اسلامی روابط میان مردم و نمایندگانشان به صورتی عامه پسند پیش می رفت ولی متأسفانه با فاصله گرفتن برخی افراد فرصت طلب از فضا و هیاهوی دوران انقلاب و فرا رساندن پاییز زودرس بهار انقلاب به دست همین اشخاص منفعت طلب، بسیاری از ارزش های آن دوره خیلی زود در نظرها به زردی گرایید و با سوق پیدا کردن به رقابت و سبقت برای کسب کرسی های مدیریتی و تحکیم جایگاه های سیاسی به عوض تلاش برای خدمت رسانی شایسته تر به مردم، عملاً به فراموشی سپرده شد که این آقایان روزی از سوی مردم انتخاب شده بودند تا در جهت ارتقای کیفی زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه، گرفتاری ها و معضلات آنها را برطرف سازند نه اینکه از حسن نیت آنان به عنوان وسیله و سکوی پرتابی برای ورود به دنیای سیاست و با هدف دستیابی به مقاصد و مطامع فردی خویش بهره برداری های نابجای سیاسی بنمایند. امروزه در مقاطع حساس و سرنوشت ساز به وفور دیده می شود که بسیاری با دمیدن در شیپور مردم تا قبل از پیروزی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و راهیابی به کاخ بهارستان، با سرزدن های مکرر به شهرستان ها و روستاهای حوزه ی انتخابیه ی خود ضمن دادن وعده و وعیدهای چرب و نرم به مردمان صاف و صادق آن دیار، در حقیقت به نوعی با عوامفریبی اقدام به جلب نظر و آرای حداکثری مردم آن مناطق می نمایند ولی بلافاصله پس از کسب موفقیت وعبور از دوره ی کاندیداتوری و در طول دوره ی چهار ساله نمایندگی خود حتی یک بار هم که شده برای یک تشکر خشک و خالی دیگر پشت سر خود را نگاه نکرده اند و به مردم دیگر روی نیاورده اند و در عمل مصداق این ضرب المثل شده اند که "اگر پشت گوشت رو دیدی ما رو هم می بینی" و بدین ترتیب با ایجاد مشغله های سیاسی مختلف این فرصت را از خود سلب کرده اند که به عنوان رسالت اصلیشان در فضایی صمیمی به نگرانی های مردمی گوش فرادهند که روزگاری با هزار و یک امید و آرزو به پای صندوق های جمع آوری آرا آمده بودند. معمولاً این جریان به همین منوال می گذرد تا نزدیک شدن به اواخر دوره نمایندگی و همان ضرب المثل قدیمی که "بالاخره گذر پوست به دباغ خانه می افتد"، تا مجدداً با طرح ترفندهای گوناگون و سازش های تیمی پشت پرده با مسئولین شهرستان که عمدتاً دست نشانده های آنان می باشند و با راه اندازی هیاهوی تبلیغاتی زودهنگام، دید و بازدیدها و همین طور سوء استفاده از ضعف های اقتصادی مردم و دادن وعده و قولهای مساعدت مالی و پولی در قالب وام های بانکی با بهره ی کم و کمک های نقدی ناچیز ضمن خرید غیرعلنی آرای مردم، سعی در گمراه کردن و فریب دادن افکار عمومی و تغییر شرایط به نفع خود می کنند تا بدین گونه مقدمات ادامه ی دگربار ه ی حیات سیاسی خود را فراهم کنند. به هر صورت این فرآیندی مکارانه بوده که در حال حاضر در جامعه اسلامی از سوی برخی اشخاص به ظاهر کاردرست و به منظور برآورده سازی منافع و مصالح سیاسی و مادی به کار گرفته شده است و همواره هم با پوشیدن لباس صداقت و خدمت، در کمین مردم بوده اند، ولی در نهایت این خود مردمند که بایستی با تیز بینی و کسب اطلاعات دقیق راجع به پیشینه ی افراد به قول معروف" مو را از ماست بکشند" و با کسب تخصص های لازم برای انتخاب انسان‌های مخلص و مردمدار "شایسته نگری" را به عنوان اصلی ترین رکن مدیریتی هر جامعه ی موفق و رو به رشد و یگانه راه منهتی به "شایسته سالاری"، به خود و همنوعان خویش بیاموزانند.

نامور نامه ی باستان

قسمت هشتم(پایان) ◆ محمد رجبی

وقتی کاوس در مقابل حرف سیاوش وانکار سودابه، ناتوان می ماند، موبدان به او چنین می گویند:

چو خواهی که پیدا کنی گفتگوی
بباید زدن سنگ را بر سبوی
زهر دو سخن چون بدینگونه گشت
بر آتش بباید یکی را گذشت

براین عقیده که اساس خلقت براین قرارگرفته که به بیگناهان آسیب نمی‌رسد:

چنین است سوگند چرخ بلند
که بر بیگناهان نیاید گزند

درشاهنامه، ازدیالوگ و منو لوگ وسولی لوگ برای بیان دراماتیک ،درجاهای مختلف استفاده شده، گفتگوی که گشتاسب در روم با خود دارد، چنین است:

همی گفت: کای داور کردگار
غم آمد مرا بهره از روزگار
به می اختر خویش بد
ندانم چرا بر سرم بد رسد

تصویر کتایون، هنگام انتخاب همسر را چنین نشان می دهد:

کتایون بشد با پرستار مست
یکی دسته ی تازه نرگس بدست
همی گشت چندان که آمد ستوه
پسندش نیامد یکی زان گروه
از ایوان سوی پرده بنهاد روی
خرامان و گریان ودل چاره جوی

با توجه به آنچه در گفته شد، نتیجه می گیریم که فردوسی از جلوه‌های دیداری برای هرچه زیباتر کردن داستانهای شاهنامه استفاده کرده. مثلاً از صحنه آرائی، رنگ، لباس، دیالوگ، منولوگ، سولی لوگ، روایت و بیان درونمایه در آغاز برخی داستان ها سود برده است.

۱۲۴۲
آگهی درخواست گواهی حصر وراثت

آقای حاج صدرالله توکلیان فرزند محمد حسن به شرح درخواستی که به کلا سه ۹۰ش٤ این شورا ثبت گردیده در خواست صدور گواهی انحصر وراثت نموده و اعلا م داشته که مرحوم محمد حسن توکلیان فرزند صدرالله به شماره شناسنامه ۱۳٤۳/۲۲٦۵۷ صادره از کازرون در تاریخ ۹۰/۸/۲۸ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان کازرون فوت نموده ورثه/ وراثت حین الفوت وی عبارتند از :

۱- صدرالله توکلیان شناسنامه ۱۳٤۲-۱۳۱۳ کازرون پدر متوفی
۲- خانم منیجه کبیری شناسنامه ۱۳۱۸/۲۱۱۸۹ کازرون مادر متوفی
۳- خانم لیلا مصطفایی شناسنامه ۱۳٤۹-۲۹۰٤۲ کازرون زوجه دائمه متوفی
٤- خانم ملیکا توکلیان شناسنامه ۸-۰٦۸۳۹۱-۲۳٦-۸۱ کازرون
۵- خانم فاطمه توکلیان شناسنامه ۰۰-۰۵۷۸۲۰-۲۳٦-۷۸ کازرون
٦- خانم بهناز توکلیان شناسنامه ٦-۰۳۷۲۳۸-۲۳٦-۷۳ کازرون دختران متوفی

ولا غیر اینکه شورا پس از انجام تشریفات درخواست مذبور را یك نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف یك ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد.

شماره : ۷۸٦/ م الف — رئیس شورای حل اختلا ف کازرون شعبه چهارم

طلوع آگهی و اشتراک می‌پذیرد
☑ ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲ ☑ ۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶